

میخائیل شیشکین  
ترجمه‌ی آبتین گلکار

# درس خوشنویسی



## درباره‌ی نویسنده

نام میخائیل شیشکین، نویسنده‌ی معاصر روس، برای بسیاری از خوانندگانش تداعی‌گر نام «سوئیس» است، چرا که شیشکین در ۱۹۹۵، زمانی که ۳۴ ساله بود، به همراه همسر سوئیسی‌اش از روسیه به این کشور مهاجرت کرد و برخی از آثار مشهور او قطعه‌های طنز یا جستارهایی درباره‌ی کشور سوئیس و مقایسه‌ی آن با روسیه هستند به مثابه‌ی کشوری که از بسیاری جهات نقطه‌ی مقابل سوئیس به شمار می‌آید. در میان این قبیل آثار می‌توان به درس سوئیسی، سوئیس روسی، در مرز روسیه - سوئیس، بهشت چگونه ساخته شد و انقلاب‌های روسیه در آینه ویلیام تل: تجربه‌ای در تندیس‌شناسی تطبیقی اشاره کرد. شیشکین از زمان زندگی در سوئیس برخی از آثار خود را به زبان آلمانی می‌نویسد.

ولی عمده‌ی شهرت شیشکین مدیون رمان‌های

سوفیا پاولوونا، حرفِ بزرگِ سرآغازِ همه‌ی آغازهاست، برای همین است که از آن شروع می‌کنیم. راستش را بخواهید، حرفِ بزرگِ مثل اولین نفس یا جیغ نوزاد است. تا همین یک لحظه‌ی پیش هیچ چیزی در کار نبود، مطلقاً هیچ چیز، خلاء، و ممکن بود صد یا هزار سال دیگر هم چیزی در کار نباشد، ولی حالا قلم، با تبعیت از اراده‌ای از بالا که در حیطه‌ی اختیار آن نیست، ناگهان حرفِ بزرگی را به وجود می‌آورد و دیگر نمی‌تواند متوقف شود. این در همان حال که نخستین حرکتِ قلم به سوی نقطه‌ی پایان جمله است، هم نشانه‌ی امید است و هم نشانه‌ی بی‌معنایی کائنات. حرفِ بزرگ، مانند جنین، تمام زندگیِ آینده را تا انتهای انتها در درون خود نهفته